



روایت ما..

طوفان الاقصى

طوفان الاقصى؛ دو سال
مقاومت و پایداری و اراده آزادی

دفتر رسانه‌ای
جنبش مقاومت اسلامی - حماس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

ملت فلسطین طی دو سال سخت و جان فرسا، در برابر سهمگین ترین تلاش‌ها برای درهم شکستن اراده‌اش، فروپاشی انسجامش و به زانو درآوردن پایگاه اجتماعی‌اش، حماسه‌ای از پایداری و استواری آفرید و تا واپسین سطرهای این حماسه، به هویت مقاوم خویش پایبند ماند.

دو سالی که در آن، رژیم اشغالگر صهیونیستی هولناک‌ترین کشتارها و نسل‌کشی‌هایی را رقم زد که بشریت در عصر حاضر به خود دیده است؛ در قالب یکی از خشن‌ترین جنگ‌های نسل‌کشی در عصر مدرن، که در چارچوب رویکردی خونین، استعمارگرانه و توسعه طلبانه، امتداد یافته از نکت ۱۹۴۸ به راه افتاد. این جنگ صرفاً واکنشی موقت نبود، بلکه تجسم ماهیت پروژه جنایتکارانه‌ای بود که در پی انکار اصل وجود فلسطینیان از رهگذر کوچ اجباری، گرسنه‌سازی و ویرانی وحشیانه خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد و کلیساها در نوار غزه است.

جنگ غزه بازتاب معادله‌ای آشکار بود: هر چه جنگ و تجاوز شدت گرفت، ملت فلسطین منسجم‌تر و بر آزادی خویش استوارتر شد. با پایان دو سال نسل‌کشی، فلسطینیان با اعتماد به نفسی بیشتر برای ماندن و استقامت از این جنگ خارج شدند؛ در حالی که رژیم اشغالگر با شکست روانی و از دست دادن بازدارندگی‌اش بیرون آمده، روایتش فرو ریخته و به رژیم‌های منزوی و منفور تبدیل شده است.

هفتم اکتبر ۲۰۲۳ رخدادی ناگهانی نبود، بلکه مرحله‌ای از مراحل نبرد با رژیم اشغالگر اسرائیلی بود؛ و طوفان الاقصی یادبودی گذرا نیست، بلکه پایه و اساس مرحله‌ای تاریخی و سرنوشت‌ساز در مسیر آرمان ماست. مرحله‌ای که در آن، روایت صهیونیستی در قلب

حامیانش فرو ریخت، چهره واقعی این دشمن در برابر ملت‌های جهان آشکار شد، در دادگاه‌های بین‌المللی در جایگاه متهم قرار گرفت، امکان شکست‌پذیری‌اش به اثبات رسید و فلسطین در نبرد آگاهی جهانی پیشگام شد که این دلالتی بر تغییر فضای ظالمی است که این رژیم در آن رشد کرده بود.

در این دو سال، ملت فلسطین والاترین نمونه‌های ایمان، فداکاری، پایداری، شکیبایی، عزت و کرامت انسانی را به نمایش گذاشت. امروز ملت ما در آستانه پایان دادن به جنگی ظالمانه علیه غزه ایستاده است تا زخم‌های خود را التیام بخشد و دستاوردهای پایداری‌اش را بارور سازد، و مقاومت، جامعه صهیونیستی را در فلسطین اشغالی به لرزه درآورد و آن را در بحران‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی فرو برد و جهان به حقیقت این اشغالگری و ماهیت جنایتکارانه و وحشیانه‌اش پی برد.

هرگز خون کودکان، زنان، سالمندان و بیمارانمان را فراموش نخواهیم کرد و رنج‌های اسیرانمان را که تلخ‌ترین اشکال شکنجه را چشیدند، از یاد نخواهیم برد. ویرانی فراگیر شهرها، محله‌ها و اردوگاه‌هایمان، و نیز خانه‌ها، مساجد، کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها، باغات و سواحل دریای خروشانمان، و حتی سنگ قبرهای عزیزانمان که ویران شد، از یاد نمی‌بریم. هیچ یک، حافظه ما و هویت رؤیاهایمان را که ریشه در ژرفای این سرزمین دارد، سرزمینی که به حق و شایستگی به آن تعلق داریم، از میان نخواهد برد.

این جنگ جنون‌آمیز آشکار ساخت که این رژیم غاصب هیچ بویی از انسانیت نبرده و معنای صلح را نمی‌شناسد، بلکه رژیمی یاغی، نژادپرست و وحشی است که از سوی دولت‌هایی ستمگر و فریبکار تغذیه می‌شود که با شعارهای صلح، عدالت و انسانیت جهان را می‌فریبند و خود شریک مستقیم این جنایت هستند.

این‌ها فداکاری‌هایی عظیم از ملتی بزرگ بود؛ و اشغالگری در طول

۷۷ سال جز بر عزم او برای تداوم جهاد و مبارزه در راه بازپس‌گیری سرزمین و مقدساتش نیفزود، و نه خیانت‌ها، نه محاصره هولناک، و نه ناتوانی و ضعف منطقه‌ای و بین‌المللی در برابر اشغالگری، چیزی جز اعتماد عمیق‌تر به پروردگار و پافشاری بر پیمودن راه آزادی و بازگشت بر او نیفزود.

این طوفان ثابت کرد که شراره ملت ما خاموش نمی‌شود، حرکتش از نفس نمی‌افتد و خیزشش آرام نمی‌گیرد و در دل خود جامعه‌ای شگفت‌انگیز و مقاوم و دلیرمردانی استوار دارد که بی‌اعتنا به هرگونه ترس و وحشتی هستند. و این موج بلند از امواج مقاومت ما که ۷۷ سال است ادامه دارد، در افق آن جز آزادی، بازگشت و قدس دیده نمی‌شود، با عزمی تزلزل‌ناپذیر، پایداری بی‌سستی، و یقینی راسخ به نصرت الهی و پیروزی که خداوند برای بندگان مجاهدش رقم می‌زند.

پروژه صهیونیستی هرگز ماهیت ملت فلسطین، هویت عربی و اسلامی او، ریشه‌های عمیق تاریخی‌اش و ژرفای تمدنی و انسانی‌اش را درک نکرد؛ و نفهمید که سرنوشتش همچون سرنوشت همه تجاوززاتی خواهد بود که در طول تاریخ این سرزمین مقدس و مبارک را هدف گرفته‌اند و سرانجام یا از آن رانده خواهد شد، یا همانجا دفن خواهد شد.



فهرست مطالب

- فصل اول: انگیزه‌ها و زمینه‌های طوفان الاقصی..... ۶
- فصل دوم: طوفان الاقصی- روز عبور باشکوه (۷ اکتبر ۲۰۲۳)..... ۱۱
- فصل سوم: تحقیق درباره حمله ۷ اکتبر- آری به کشف حقیقت..... ۱۴
- فصل چهارم: روند جنگ علیه غزه..... ۱۶
- فصل پنجم: تلاش‌های حماس برای توقف جنگ و طرح ترامپ..... ۲۲
- فصل ششم: برجسته‌ترین دستاوردهای طوفان الاقصی..... ۲۶
- فصل هفتم: حماس را نمی‌توان منزوی کرد..... ۳۴
- فصل هشتم: اولویت‌های مرحله پیش‌رو..... ۳۶
- در یک کلام..... ۳۹

انگیزه‌ها و زمینه‌های طوفان الاقصی

۱. پیشینه تاریخی

هفتم اکتبر آغاز جنگ نبود، بلکه پیامد طبیعی اشغالی است که از سال ۱۹۴۸ آغاز شده و ۷۷ سال ادامه یافته است؛ اشغالی که در آن ملت ما به دست اشغالگر صهیونیستی آواره و رانده شد. ذهنیت صهیونیستی از همان آغاز، ذهنیتی حذف‌گرا و مبتنی بر شهرک‌سازی، جایگزین‌طلبی و تهاجمی بوده که تبعیض نژادی و پاک‌سازی قومی را اعمال کرده است، و در دهه‌های گذشته از همه ابزارها برای ریشه‌کن کردن و کوچاندن ملت فلسطین بهره برده و هرگونه حاکمیت او بر سرزمینش و استقلال در تصمیم‌گیری را سلب کرده است، در حالی که از پوشش و حمایت غرب، به ویژه آمریکا، برخوردار بوده است. از این رو طوفان الاقصی به مثابه بخشی از مقاومت مشروع ملت ما در برابر اشغالی پدید آمد که در دوره دولت راست افراطی به اوج خود رسیده بود، و پاسخی طبیعی به مواجهه با چالش‌های راهبردی بود که کلیت مسئله فلسطین را تهدید می‌کرد.

۲. شکست روند سازش و دگرگونی تشکیلات خودگردان

اسرائیلی‌ها روند سازش سیاسی با تشکیلات خودگردان فلسطین را به طور نظام‌مند و عامدانه ناکام گذاشتند و از پوشش «سازش» برای گسترش یهودی‌سازی و شهرک‌سازی بهره گرفتند. آن‌ها شمار شهرک‌نشینان یهودی در کرانه باختری را از حدود ۲۸۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۳ (پس از امضای توافق اسلو) به حدود ۹۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۲۳ افزایش دادند. بنیامین نتانیاہو - که در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ و سپس در بیشتر دوره





پس از ۲۰۰۹ تاکنون نخست وزیر بوده - بارها اعلام کرده است که با توافق اسلو مخالف است و آشکارا برای ناکام گذاشتن آن تلاش کرده و تصریح کرده که مانع تشکیل کشور فلسطین خواهد شد و عملاً نیز در این راستا تلاش کرده است. در نتیجه، فلسطینیان هرگونه امید به تشکیل کشور مستقل - حتی بر بخشی از سرزمینشان - را از دست دادند. حتی راهپیمایی‌های بزرگ بازگشت در سال ۲۰۱۸ فریادی بود خطاب به جهان برای یادآوری حقوق فلسطینیان، بی آنکه گوش شنوایی بیابد.

۳. به قدرت رسیدن افراط‌گرایان صهیونیست و هدف‌گیری

کرانه باختری و قدس

در اواخر سال ۲۰۲۲، افراطی‌ترین دولت اسرائیلی شکل گرفت؛ جایی که جناح راست لیکود با صهیونیسم دینی همپیمان شد تا سرنوشت مسجد الاقصی، قدس و کرانه باختری را یکسره کند و روایت صهیونیستی را به زور تحمیل نماید. حساس‌ترین پرونده‌های فلسطینی به افراطی‌ترین وزیران سپرده شد: ایتمار بن‌گویر وزارت امنیت داخلی را بر عهده گرفت و درهای سرکوب ملت فلسطین و تسهیل طرح تعرض به مسجد الاقصی و یهودی‌سازی قدس را به طور کامل گشود. شتاب یهودی‌سازی مسجد الاقصی با پیامدهایی فاجعه‌بار افزایش یافت؛ از رهگذر تعرض‌های روزانه و تلاش برای تحمیل تقسیم زمانی و مکانی مسجد تحت حمایت ارتش اشغالگر، در صحنه‌ای که بازتولید نکبت در قلب قدس را تداعی می‌کند. همچنین بتسلیل اسموتریچ - علاوه بر وزارت دارایی - اختیارات کنترل اداره مدنی «اسرائیل» در کرانه باختری، پشتیبانی از گسترش شهرک‌سازی و مدیریت منابع طبیعی آن را در دست گرفت. او که بی‌وقفه در پس الحاق کرانه باختری و تبدیل آن به کانتون‌های (مناطق تکه تکه) جدا افتاده است؛ اقدامی که هرگونه امکان تشکیل کشور مستقل فلسطین را به کلی

از میان می‌برد. حتی نتانیاهو چند روز پیش از هفتم اکتبر در سازمان ملل طی اعلامی وقیحانه از نیت‌ها و طرح‌هایش، ایستاد و نقشه تمام فلسطین تاریخی - شامل کرانه باختری و نوار غزه - را با نام «اسرائیل» به نمایش گذاشت.

۴. جوشش و انفجار در غزه

غزه نیز از این تجاوزات اسرائیلی دور نماند؛ در اول اکتبر ۲۰۲۳ - تنها یک هفته پیش از طوفان الاقصی - «رونن بار» رئیس شتابک در برابر «هرتزی هالوی» رئیس ستاد ارتش و مقامات ارشد امنیتی، طرحی برای ترور و حذف رهبری حماس در نوار غزه ارائه کرد و خواستار ارسال آن برای تایید نتانیاهو شد؛ تاییدی که در آن زمان صادر نشد. این در حالی بود که نوار غزه از ۱۷ سال پیش زیر محاصره‌ای خفه کننده قرار داشت و ساکنانش از ابتدایی‌ترین حقوق خود در رفت و آمد، سفر، زندگی عادی و دسترسی به اقلام اساسی محروم بودند که این مجازاتی برای انتخاب دولتی مقاوم بود. نوار غزه به بزرگ‌ترین زندان روباز جهان تبدیل شده بود و زمان آن فرارسیده بود که مردم غزه در اعتراض به مرگ تدریجی در آن زندان بزرگ، - به قول نویسنده شهید، غسان کنفانی - «بر دیواره‌های مخزن بکوبند».

۵. رنج اسرا

هزاران اسیر فلسطینی در زندان‌های رژیم اشغالگر از همه اشکال سرکوب، آزار، تحقیر و مرگ تدریجی رنج برده‌اند، در حالی که هیچ افق سیاسی برای آزادی آنان وجود ندارد. همه این‌ها نقض آشکار کرامت انسانی و بدیهی‌ترین حقوق اسرا طبق حقوق بین‌الملل بود. در زمان آغاز طوفان الاقصی، همچنان حدود پنج هزار اسیر در زندان‌های «اسرائیل» محبوس بودند.



۶. ناتوانی جامعه بین‌المللی

نهادهای بین‌المللی - به ویژه سازمان ملل متحد و شورای امنیت - در تعامل جدی با مسئله فلسطین ناکام ماندند. این نهادها دچار عجز و فلج شدگی بودند، در حالی که «اسرائیل» با حمایت آمریکا و غرب همچون دولتی فراتر از قانون عمل می‌کرد. همزمان، روند یهودی‌سازی، عادی‌سازی روابط و پروژه‌های حذف مسئله فلسطین شتاب گرفت، به گونه‌ای که ائتلاف آمریکایی - صهیونیستی کوشید دشمن اشغالگر را در منطقه ادغام کند، مسئله فلسطین را دفن سازد و از رهگذر موج‌های پیاپی عادی‌سازی، آن را به پرونده‌ای از گذشته تبدیل نماید. با وجود انبوهی از قطعنامه‌های سازمان ملل به نفع فلسطین - به طوری که تا پایان سپتامبر ۲۰۲۳، ۱۱۸۰ قطعنامه از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت صادر شده است، اما طی ۷۵ سال، هیچ یک از آن‌ها اجرا نشده است. پس جهان از ملتی سربلند و با عزت که می‌خواهد آزادی و حقوقش را بازستاند، چه انتظاری دارد؟!

۷. تداوم خیزش فلسطین

ملت فلسطین از سال ۱۹۲۰ انتفاضه‌ها و خیزش‌های خود را پیوسته ادامه داده است، تا آنکه در مه ۱۹۴۹ تعهدی رسمی از بریتانیا برای لغو اعلامیه بالفور و برپایی کشور مستقل فلسطین بر سراسر سرزمین فلسطین طی ده سال به دست آورد؛ اما بریتانیا به عهد خود وفا نکرد. سپس تحت نفوذ غرب و آمریکا، سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ به تقسیم فلسطین به دو کشور (یهودی و فلسطینی) رأی داد، با تصمیمی که در آن، ملت فلسطین از حق تعیین سرنوشت محروم شد و با وجود مالکیت ۹۴ درصدی زمین‌ها، هیچگاه مورد مشورت قرار نگرفت. با این



حال، صهیونیست‌ها با زور و پاکسازی قومی «اسرائیل» را بر ۷۷ درصد فلسطین تاریخی برپا کردند و اجازه شکل‌گیری کشور فلسطین داده نشد. خیزش‌ها و انتفاضه‌های فلسطین در موج‌هایی پیاپی - گاه اوج‌گیر و گاه فروکش کننده - ادامه یافتند، بی‌آنکه متوقف شوند و نبرد طوفان الاقصی چیزی جز موجی تازه از این امواج پیاپی نیست. مقاومت پیش‌تر هشدار داده بود که اگر تجاوز و محاصره ادامه یابد، این انفجار ناگزیر رخ خواهد داد؛ از این رو ضربه هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به اندازه درد وارد شده بر ملت ما نیرومند، و به اندازه تجاوزی که متحمل شده بودیم، تکان دهنده بود، تا به جهان نشان دهد که هیچ توطئه و فشاری قادر به شکستن اراده این ملت نیست.

فصل دوم: طوفان الاقصی- روز عبور باشکوه (۷ اکتبر ۲۰۲۳)

۱. لحظه حقیقت

عملیات «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، به مثابه لحظه حقیقتی بود که پس از سال‌ها محاصره و بی‌توجهی بین‌المللی، معادله نبرد را از نو ترسیم کرد؛ خشم فرو خورده فلسطینیان در اقدامی بی‌سابقه فوران کرد، اقدامی که مبارزان مقاومت آن را رهبری کردند، پس از آنکه جهان همه درها را به روی مردمی که خواهان حق زندگی و آزادی بودند بست.

این عملیات نه ماجراجویی بود و نه رفتاری احساسی و شتاب زده؛ بلکه گامی حساب شده برای بیان اراده امید و اصلاح مسیر تاریخی به شمار می‌رفت. فرزندان ملت فلسطین آن را با آگاهی، برنامه‌ریزی و ایمان به خدا و عدالت آرمان خود به پیش بردند، با این باور که فداکاری راه آزادی است و دفاع از قدس و مسجد الاقصی حقی است که هرگز قابل معامله نیست.

این لحظه، لحظه فداکاری بزرگ بود؛ لحظه‌ای که فلسطینیان خواستند با آن به جهان بگویند: ما قربانیان همیشگی نیستیم، بلکه ملتی هستیم که برای کرامت خود می‌جنگد و نمی‌پذیرد شاهدهی خاموش بر نابودی سرزمینش باشد.



۲. اجماع و همراهی گسترده مردمی

این عملیات با حمایتی بی‌سابقه از سوی افکار عمومی فلسطین رو به رو شد و به نمادی از وحدت پیرامون گزینه مقاومت تبدیل گشت. نتایج نظرسنجی مرکز فلسطینی پژوهش‌های سیاسی و آمارسنجی (منتشر شده در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳) نشان داد که ۷۲ درصد فلسطینیان تصمیم حماس برای انجام این حمله را درست دانسته‌اند و ۶۹ درصد از عملکرد حماس ابراز رضایت کرده‌اند؛ در حالی که تنها ۱۱ درصد رضایت خود را از عملکرد تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کرده‌اند.

این نتایج در شرایطی به دست آمد که رژیم صهیونیستی جنگی بسیار خشن و با پشتیبانی ائتلاف‌های بزرگ نظامی را به راه انداخته بود که تا زمان انجام این نظرسنجی، به شهادت بیش از ۱۵ هزار نفر، زخمی شدن ۳۶ هزار نفر و آوارگی دو سوم جمعیت نوار غزه انجامیده بود.

این همراهی و اجماع فراگیر مردمی پیرامون مقاومت. آن هم در اوج فاجعه - پیامی روشن داشت مبنی بر اینکه ملت فلسطین، با وجود هزینه‌های سنگین، همچنان بر گزینه ایستادگی و مقابله پایبند هستند.



۳. روز عبور تاریخی

هفتم اکتبر روزی سرنوشت‌ساز در تاریخ فلسطین بود؛ چرا که برای نخستین بار از زمان تاسیس این رژیم اشغالگر در ۷۵ سال پیش، مقاومت توانست دست به مانوری میدانی بزند که در جریان آن، تمامی خطوط ارتش اشغالگر پیرامون نوار غزه را درنوردید و بر آن‌ها مسلط شد، صدها نظامی را به قتل رساند و تنها در چند ساعت، کنترل کامل شمارهی از پایگاه‌ها را در دست گرفت؛ ضربه‌ای که شدت آن اشغالگران را دچار بهت و شوک کرد و رهبران‌شان آن را «نبردی وجودی» و «جنگ استقلال دوم» خود خواندند و بعدها نام «شمشیرهای آهنین» را بر آن گذاشتند. آن روز، روز عبوری فلسطینی به سوی معادله‌ای تازه در آگاهی جهانی بود؛ معادله‌ای که ثابت کرد مقاومت توان درهم شکستن تصویر ارتش «شکست‌ناپذیر» را دارد و اینکه اراده آزادی و رهایی، از هر زرادخانه و توان نظامی نیرومندتر است.



فصل سوم:

تحقیق درباره حمله ۷ اکتبر - آری به کشف حقیقت

۳

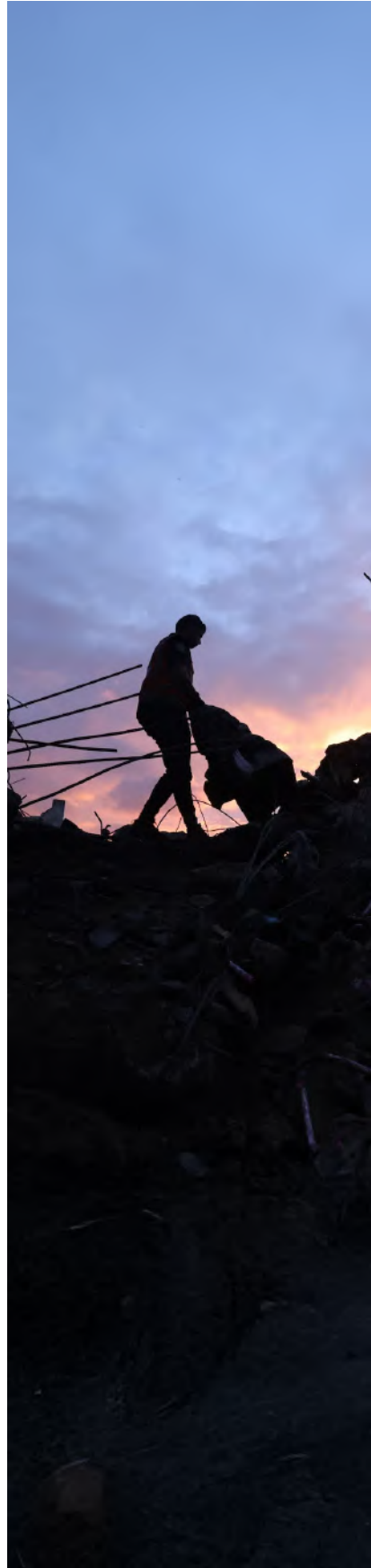
از نخستین لحظات حمله هفتم اکتبر، رژیم اشغالگر کوشید حقیقت را وارونه جلوه دهد؛ با راه‌اندازی یک ماشین جهانی گمراه‌سازی که رسانه‌های غربی و گروه‌های فشار صهیونیستی در آن مشارکت داشتند، تلاش کرد عملیات نظامی مشروع - که لشکر نظامی غزه را هدف قرار داده بود؛ لشکرهای که سال‌ها به کشتار و محاصره نوار غزه دامن زده بود - به ادعاهایی درباره هدف‌گیری غیرنظامیان و کودکان تبدیل کند.

این رژیم مجموعه‌ای از دروغ‌ها درباره کشتن کودکان و تجاوز به زنان را ترویج کرد تا زمینه را برای پیشبرد پروژه نسل‌کشی فراگیر از پیش طراحی شده با هدف محو غزه از صحنه وجود فراهم کند.

در همین راستا، مقاومت از روزهای نخست حمله پیشنهاد آزادی اسراییلی غیرنظامی را مطرح کرد؛ اما رژیم اشغالگر این پیشنهاد را رد کرد و تنها در جریان آتش‌بسی کوتاه مدت که یک هفته در نوامبر ۲۰۲۳ به طول انجامید، آن را پذیرفت؛ آتش‌بسی که طی آن حدود صد اسیر آزاد شدند.

پیش‌تر در مواضع مختلف، ادعاها و دروغ‌های اسراییلی مطرح شده علیه مقاومت را به طور مستند رد کرده‌ایم و نیازی به تکرار آن‌ها در اینجا نیست؛ به ویژه آنکه نادرستی‌شان با گواهی تحقیقات مستقل بین‌المللی ثابت شده است. با این حال، از آنجا که رهبران این رژیم همچنان با گستاخی دروغ‌های خود را تکرار می‌کنند، بر نکات زیر تاکید می‌کنیم:

۱. کشتن غیرنظامیان نه با دین ما سازگار است و نه با ارزش‌های ملی و تمدنی ما؛ و تا آنجا که در توان داریم از آن پرهیز می‌کنیم.

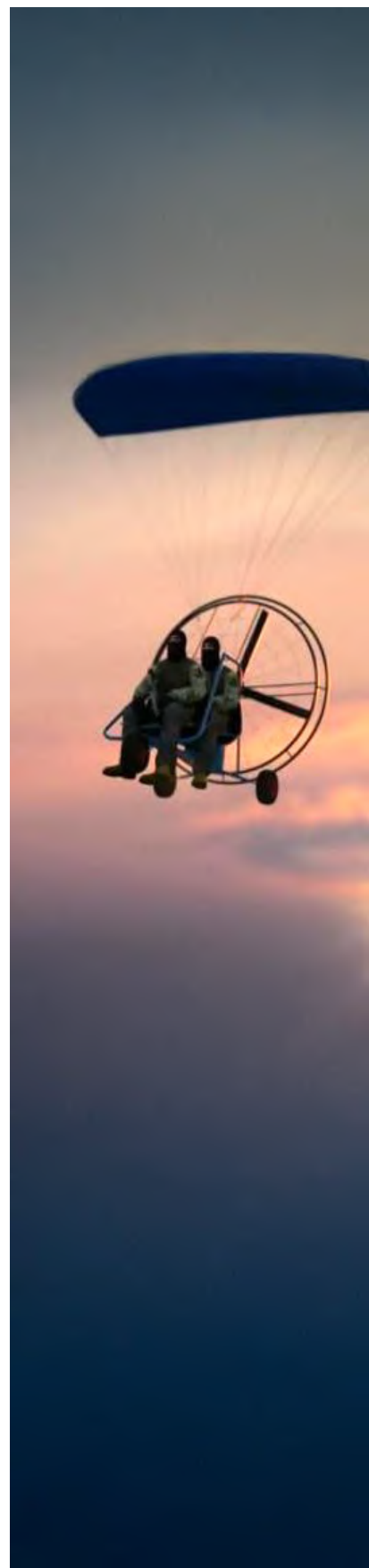


۲. کشتار غیرنظامیان، ارتکاب قتل عام‌های وحشیانه و پاکسازی قومی، رفتاری ریشه‌دار در صهیونیسم از زمان پیدایش این رژیم است؛ و هزاران سند قطعی این واقعیت را اثبات می‌کند؛ اسنادی که جای تردید یا جدل باقی نمی‌گذارند.

۳. تحقیقات جدی رسانه‌های اسرائیلی تأیید کرده است که ارتش این رژیم مناطقی را بمباران کرده که در آن‌ها غیرنظامیان اسرائیلی با مجاهدان قسام درهم آمیخته بودند؛ در چارچوب آنچه به دستور العمل هانیبال شناخته می‌شود که هدفش جلوگیری از احتمال اسارت نظامیان اسرائیلی است. همچنین روشن شده که شمار زیادی از نظامیان و نیروهای ذخیره در زمان حمله لباس غیرنظامی بر تن داشتند یا خارج از ساعات خدمت نظامی بودند.

۴. در جریان عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر، مقاومت هیچ بیمارستان، مدرسه یا عبادتگاهی را هدف قرار نداد و حتی یک خبرنگار یا هیچ یک از اعضای تیم‌های امدادی را به قتل نرساند. رژیم اشغالگر اگر راست می‌گوید خلاف این ادعاها را ثابت کند.

۵. اسرائیلی‌ها را به چالش می‌کشیم که راه را برای یک تحقیق بین‌المللی منصفانه درباره ادعاهای مربوط به کشته شدن غیرنظامیان اسرائیلی در روز هفتم اکتبر باز کنند؛ و نیز آن‌ها را در رابطه با پذیرش یک تحقیق بین‌المللی بی‌طرف درباره جنایاتی که علیه ملت فلسطین مرتکب شده‌اند - به ویژه در جریان جنگ اخیرشان علیه غزه - به چالش می‌کشیم.



روند جنگ علیه غزه

۱. جنگ نسل‌کشی

جنگی که رژیم اشغالگر علیه نوار غزه به راه انداخت، با خشونت و وحشی‌گری بی‌سابقه همراه بود؛ این جنگ تلاشی نومیدانه برای بازسازی تصویر بازدارندگی و هیبتی بود که پس از هفتم اکتبر از دست رفته بود. هدف واقعی این جنگ، آزادی اسرای اسرائیلی نبود؛ بلکه ارتکاب گسترده‌ترین کشتارها علیه غیرنظامیان، ویرانی خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، عبادتگاه‌ها و زیرساخت‌ها، و تحمیل گرسنگی و آوارگی جمعی بر ساکنان غزه را دنبال می‌کرد. این نخستین نسل‌کشی بود که به صورت زنده پخش شد؛ جنایاتی که لحظه به لحظه با تصویر و صدا در برابر دیدگان جهان ثبت گردید.

۲. ذهنیت حذف

رهبری سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی در جریان این جنگ، ذهنیتی حذف‌گرایانه داشت؛ ذهنیتی که نه تنها حقوق سیاسی فلسطینیان، بلکه حتی انسانیت آنان را نیز انکار می‌کرد. اظهارات علنی رهبران این رژیم که ویرانی نوار غزه و کشتار ساکنان آن را مشروع جلوه می‌داد، بارها تکرار شد؛ تا جایی که «یوآو گالانت» وزیر جنگ پیشین، ساکنان غزه را «حیوانات انسان‌نما» توصیف کرد. نهادهای بین‌المللی متعددی جنایات این رژیم علیه کودکان، زنان و سالمندان، هدف‌گیری تجمع‌های آوارگان، بیماران در بیمارستان‌ها، کادرهای درمانی و صف‌های غیرنظامیان در برابر مراکز امدادسانی را مستند کرده‌اند.

۳. آمار ویرانی و تلفات طی دو سال

ویرانی عمرانی

۹۵ درصد

مدارس غزه دچار خسارات مادی شدند و بیشتر بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، همچنین مساجد و عبادتگاه‌ها ویران گردید. حملات هوایی پناهگاه‌های آوارگان را هدف قرار داد و آن‌ها را به گورهای دسته جمعی تبدیل کرد. حدود ۲۶۸ هزار واحد مسکونی به طور کامل و ۱۵۳ هزار واحد دیگر به صورت جزئی تخریب شده است.

شهدا و مجروحان:

بیش از

۶۷۱۰۰

شهید که پیکرهایشان به بیمارستان‌ها منتقل شده است، به همراه ۹۵۰۰ نفر دیگر که همچنان زیر آوار مانده یا در شمار مفقودان هستند؛ شامل حدود ۲۰ هزار کودک و ۱۲۵۰۰ زن. شمار مجروحان نیز به حدود ۱۶۹۵۰۰ نفر رسید.

قحطی و محاصره:

بیشتر ساکنان غزه بر اثر محاصره و ممانعت از ورود کمک‌ها دچار قحطی شدند. رژیم اشغالگر از آنچه می‌توان مهندسی گرسنگی نامید، برای تسلیم جمعیت از طریق محرومیت گسترده از غذا، آب و دارو استفاده کرد؛ جنایتی که در حقوق بین‌الملل مجازات جمعی و نسل‌کشی به شمار می‌آید. در این میان ۵۴۰ امدادگر هنگام انجام ماموریت به شهادت رسیدند و ۲۶۰۵ غیرنظامی نیز در صف‌های دریافت کمک‌ها - در آنچه «تله‌های مرگ» نام گرفت - شهید شدند؛ جایی که صف‌های دریافت کنندگان کمک از مراکز امدادی مشترک آمریکایی-اسرائیلی بمباران شد.

۴. جنگ علیه حقیقت

این رژیم با کشتار خبرنگاران و ممانعت از فعالیت رسانه‌ها، خود حقیقت را هدف قرار داد؛ به گونه‌ای که در جریان جنگ، ۲۵۴ خبرنگار و فعال رسانه‌ای به شهادت رسیدند؛ رقمی که از مجموع کشته شدگان خبرنگار در جنگ‌های جهانی اول و دوم، ویتنام، یوگسلاوی، افغانستان و اوکراین در مجموع فراتر است.

همچنین این رژیم ورود رسانه‌های خارجی به غزه را ممنوع کرد؛ اقدامی که برای محو شواهد جنایات و خاموش کردن صدای کسانی که آن‌ها را مستندسازی می‌کنند یا به نجات قربانیان می‌پردازند، انجام گرفت.

۵. اسرا و پیکرهای شهدا

پس از دو سال جنگ، حدود ۳۴۰۰ اسیر از نوار غزه در دست این رژیم بودند که نزدیک به نیمی از آنان در قالب یک توافق تبادل اسرا آزاد شدند و پیکرهایشان گواه شکنجه، گرسنگی و تحقیر سیستماتیک بود که متحمل شده بودند.

اما پیکرهایی که پس از جنگ تحویل داده شد، از فجایع اعدام‌های میدانی و شکنجه سازمان یافته پرده برداشت؛ به گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها با چشمان بسته و دست و پاها بسته تحویل داده شدند.

همچنین شواهدی از سرقت اعضای بدن برخی شهدا به شیوه‌ای هولناک و غیراخلاقی به دست آمد. ما از نهادهای بین‌المللی ذی‌صلاح می‌خواهیم شخصاً این پیکرها را بررسی و میزان فجیع بودن جنایات و نقض‌های سنگین رژیم اشغالگر را مستند کنند.

۶. پایداری فلسطینیان

ملت فلسطین جهان را با توان ایستادگی، مقاومت و پابندی به سرزمین شگفت‌زده کرد. دشمن نتوانست حتی یک لحظه ضعف یا نشانه‌ای از شکست از هیچ فلسطینی بگیرد و در غزه با وجود شدت درد و زخم‌ها،

هیچ پرچم سفیدی برافراشته نشد.

غزه به مدرسه‌های جهانی در ایمان، صبر و استقامت بدل شد و الگوهای یگانه از فداکاری و شجاعت ارائه داد و معنای ایمان و کرامت را به سراسر جهان الهام بخشید.

۷. بازگشت به شمال

جهان از پایداری فرزندان فلسطین بر سرزمینشان و رد قاطع آوارگی بهت زده شد. ما شاهد صحنه‌های باشکوهی از بازگشت صدها هزار آواره به شمال غزه ویران شده در روزهای اندک پس از آتش‌بس ژانویه ۲۰۲۵ بودیم و سپس پس از اعلام توقف جنگ در اکتبر ۲۰۲۵، جمعیت بار دیگر - حتی پس از بمباران مجدد ویرانی‌ها - به خانه‌های ویران خود بازگشتند. این ملت ثابت کرد که فارغ از میزان فداکاری، به سرزمینش پایبند است.

۸. رهبران شهید

ملت فلسطین رهبران بزرگ خود را در راه دفاع از مسجد الاقصی، قدس و فلسطین و در مسیر آزادی تقدیم کرد، بسیاری از فرزندان، نوادگان و ده‌ها تن از بستگان آنان نیز به شهادت رسیدند. آنان مفهوم رهبری حقیقی را که در صف مقدم می‌ایستد، همراه مردم می‌جنگد و والاترین الگوهای فداکاری و پایداری را ارائه می‌دهد، مجسم کردند.

۹. عملکرد مقاومت در میدان

مقاومت فلسطین در میدان نبرد خوش درخشید، نیروهای دشمن را در هر وجب از غزه فرسوده کرد و الگویی از مکتبی نوین در جنگ‌های چریکی و رهایی‌بخش بنا نهاد؛ الگویی که امروز در دانشکده‌های نظامی سراسر جهان تدریس می‌شود.

با وجود حمایت گسترده آمریکا، انگلیس و آلمان، ارتش «اسرائیل» نتوانست به پیروزی قاطع بر مردمی مقاوم که در فضایی محدود و محروم از سلاح

و تدارکات محاصره شده بودند دست یابد و سرانجام ناگزیر به توقف جنگ و امضای توافق آتش بس شد.

۱۰. خسارت‌های دشمن

این رژیم متحمل خسارت‌های سنگینی شد که کوشید آن‌ها را پنهان کند. «ایال زامیر» رئیس جدید ستاد ارتش صهیونیستی (فوریه ۲۰۲۵)، به کشته شدن ۵۹۴۲ نظامی اعتراف کرد؛ در حالی که گزارش‌های پزشکی به حدود ۱۳ هزار کشته اسرائیلی در غزه، لبنان و کرانه باختری اشاره داشتند. بانک مرکزی «اسرائیل» هزینه جنگ را طی دو سال حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد؛ در حالی که اسموتریچ رقمی نزدیک به آن، برابر با ۸۹۴ میلیارد دلار اعلام نمود. ارتش تا ژانویه ۲۰۲۵ حدود ۲۸۵۰ تانک، بولدوزر و خودروی نظامی را از دست داد. گزارش‌ها از مهاجرت معکوس ۴۷۰ هزار نفر در دو ماه نخست پس از طوفان الاقصی، فرار سرمایه‌ها و فلج شدن بخش‌های گردشگری و بنادر حکایت داشت.

۱۱. وحدت و همبستگی جامعه غزه

ملت فلسطین همه تلاش‌های دشمن برای ایجاد ساختارهای جایگزین یا وابسته در داخل غزه را ناکام گذاشت. به واسطه آگاهی قبایل و خانواده‌های فلسطینی، جامعه غزه سدهی غیرقابل رخنه در برابر نفوذ و تفرقه باقی ماند و در تاریک‌ترین شرایط، انسجامی کم‌نظیر از خود نشان داد.

۱۲. قهرمانان غیرنظامی

پزشکان، امدادگران، خبرنگاران، نیروهای دفاع مدنی و پلیس در قلب نبرد بودند؛ جان‌ها را نجات می‌دادند و جنایات را مستندسازی می‌کردند، فداکاری‌های بزرگی از خود نشان دادند و با خون خویش در پاسداری از حقیقت و خدمت به مردمشان در سخت‌ترین لحظات تاریخ سهیم شدند.

۱۳. حمایت نیروهای مقاومت

نیروهای مقاومت در امت اسلامی نقشی مستقیم در حمایت نظامی و سیاسی از غزه ایفا کردند، ضربات مؤثری به رژیم اشغالگر وارد ساختند و با فداکاری‌های بزرگ نشان دادند که این نبرد تنها نبرد فلسطینیان نیست، بلکه نبرد کل امت است.

۱۴. نقش آمریکا

آمریکا شریک کامل رژیم اشغالگر در جنگ علیه غزه بود؛ این کشور بیش از ۹۰ هزار تن انواع سلاح‌های ویرانگر در اختیار این رژیم قرار داد، پوشش سیاسی و رسانه‌ای برای تجاوزش فراهم کرد، تصمیم‌ها و اقدامات بین‌المللی معطوف به توقف جنگ را مختل ساخت و با استفاده از حق وتو - در شش نوبت - زمینه تداوم کشتارها، ویرانی زیرساخت‌ها و سیاست‌های آوارگی و گرسنگی را فراهم آورد. به طور کلی، آمریکا از زمان تأسیس سازمان ملل ۹۳ بار از وتو استفاده کرده که ۵۱ بار آن به نفع «اسرائیل» و برای جلوگیری از اجرای عدالت در فلسطین بوده است. رژیم اشغالگر همواره سنگ‌بنای سیاست آمریکا در منطقه عربی و اسلامی باقی مانده و ایالات متحده بارها آماده بوده است برای حفظ «اسرائیل» به عنوان رژیم فراتر از قانون، در برابر جهان و اراده غالب بین‌المللی بایستد.

فصل پنجم:

تلاش‌های حماس برای توقف جنگ و طرح ترامپ

۱. تلاش حماس برای توقف جنگ

از نخستین روز جنگ، جنبش حماس با هماهنگی دیگر گروه‌های مقاومت و با همکاری میانجی‌ها، تلاش‌هایی پیوسته برای توقف کشتار و قتل عام‌هایی که رژیم اشغالگر علیه کودکان و غیرنظامیان بی‌دفاع مرتکب می‌شد، و نیز برای پایان دادن به تخریب سازمان یافته همه مظاهر زندگی در نوار غزه به کار بست.

۲. رویکرد مسئولانه در قبال ابتکارها

مقاومت با مسئولیتی ملی و در سطحی بالا با تکیه بر دغدغه منافع ملت فلسطین و تلاش برای جلوگیری از خون‌ریزی و پایان دادن به رنج انسانی، با همه ابتکارها و پیشنهادهای مرتبط با آتش‌بس تعامل کرد.



این جنبش همه روابط سیاسی خود را برای پشتیبانی از پایداری ملت فلسطین به کار گرفت؛ اما این رویکرد مثبت با سیاست‌های نتانیاهو و دولت افراطی او که هرگونه ابتکار برای پایان جنگ را رد می‌کرد و در پی تحمیل طرحی برای اشغال غزه، الحاق کرانه باختری و کوچاندن ملت فلسطین از سرزمینش بود، برخورد کرد.

۳. برنامه‌های نتانیاهو و کارشکنی در دوره‌های مذاکره

برنامه‌های سیاسی نتانیاهو - و تلاش برای فرار از مسئولیت شکست سنگین هفتم اکتبر، گریز از پرونده‌های فساد، رؤیای دستیابی به پیروزی بر مقاومت و طولانی کردن جنگ برای تمدید عمر دولتش - انگیزه‌های اصلی او برای رد همه ابتکارها و پیشنهادهای آتش‌بس بود؛ حتی ابتکارهایی که جنبش بدون هیچ قید و شرطی با آنها موافقت کرده بود (چنانکه در مورد نخستین طرح پیشنهادی استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا رخ داد).

برای همه دنیا ثابت شد که نتانیاهو تنها مانع در اجرای همه پیشنهادهای و دوره‌های مذاکره است؛ تا آنجا که حتی پیشنهادی را که خود پیش‌تر مطرح کرده بود نیز رد کرد.

۴. نقض توافق آتش‌بس

در ژانویه ۲۰۲۵ توافق برای آتش‌بس حاصل شد؛ اما نتانیاهو تنها پس از ۵۸ روز از آن صرف نظر کرد؛ امری که نیت قبلی او برای ناکام گذاشتن هرگونه توافق منتهی به پایان جنگ را تایید کرد.

۵. مذاکرات پیچیده و ایستادگی سیاسی

مذاکرات دشوار، پیچیده و چند مسیره بود و جنبش حماس در آن با فشارهای سنگین و فریب‌کاری‌های صهیونیستی رو به رو شد؛ اما امانت‌داری نسبت

به هزینه‌های سنگینی که ملت ما پرداخته و خون شهدا، ایجاب می‌کرد با نهایت خرد، آگاهی و قاطعیت ایستادگی شود تا بهترین شرایط ممکن به دست آید.

دشمن قصد داشت به حضور فلسطینیان در غزه پایان دهد و مقاومت را به طور کامل در هم بشکند؛ اما تحقق آتش‌بس، نتیجه مستقیم پایداری ملت ما و فداکاری‌های عظیم او بود، نه بخششی از سوی هیچ‌کس.

۶. طرح ترامپ برای پایان جنگ

با وجود جنایت رژیم اشغالگر در هدف قرار دادن هیئت مذاکره کننده جنبش در قلب دوحه، هنگام بررسی یک پیشنهاد مذاکراتی که نقض بی‌سابقه همه عرف‌های بین‌المللی و تلاشی برای ترور هیئتی مذاکره کننده در خاک کشوری میانجی به شمار می‌رفت، جنبش به تلاش‌های خود برای پایان دادن به جنگ نسل‌کشی که جنایتکاران جنگی در تل‌آویو به راه انداخته بودند ادامه داد و در پایان سپتامبر ۲۰۲۵ با طرح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با مسئولیتی کامل و رویکردی جدی تعامل کرد. جنبش حماس پاسخی ارائه داد که از بندهای طرح درباره توقف جنگ، جلوگیری از کوچاندن، آغاز خروج کامل و تدریجی نیروهای اشغالگر، ورود نیازهای معیشتی غزه و ملزومات بازسازی، و توافق تبادل اسرای زنده و اجساد کشته شدگان استقبال می‌کرد.

همچنین جنبش با اداره نوار غزه توسط یک هیئت اداری فلسطینی (دولت تکنوکرات) که از پذیرش ملی و حمایت عربی و بین‌المللی برخوردار باشد موافقت کرد.

اما همه مسائل دارای بُعد ملی به گفتگوی داخلی فلسطینیان ارجاع شد تا بر پایه منافع عالی ملت فلسطین درباره آن‌ها توافق شود و هرگونه قیمومیت و دیکته خارجی بر تصمیم ملی مستقل وارد گردد.

جنبش به صراحت تاکید کرد که اجازه نخواهد داد رژیم اشغالگر از مسیر مذاکره به آنچه با زور و نسل‌کشی نتوانست به دست آورد، دست یابد.

۷. توافق نهایی

- پس از دو سال پایداری اسطوره‌ای، مقاومت توانست به توافق آتش‌بس برای پایان دادن به جنگ دست یابد که شامل موارد زیر بود:
- پایان جنگ و تثبیت آتش‌بس، جنگ نسل‌کشی و سیاست گرسنگی
- عقب‌نشینی تدریجی نیروهای اشغالگر از نوار غزه تا خروج کامل
- جلوگیری از کوچاندن جمعیت و ناکام‌گذاشتن هرگونه تلاش برای رقم زدن نکتی تازه
- توافق تبادل شرافتمندانه که بر اساس آن حدود ۴۰۰۰ اسیر فلسطینی آزاد شدند؛ از جمله ۴۸۶ نفر با حکم حبس ابد و ۳۱۹ نفر با احکام طولانی مدت
- شکستن محاصره غزه و اجازه ورود کمک‌ها و نیازهای انسانی به منظور آغاز بازسازی فراگیر

رژیم اشغالگر از جنگ خود کوچاندن ملت فلسطین، تخلیه نوار غزه، درهم شکستن اراده فلسطینیان، تحمیل تسلیم و گسترش باندهای مزدور و هرج و مرج را می‌خواست؛ اما با وجود نابرابری موازنه قوا، به واسطه پایداری ملت فلسطین و توان مقاومت در تحقق این اهداف ناکام ماند.

فصل ششم:

برجسته‌ترین دستاوردهای طوفان الاقصی

دو سال جنگ پیوسته، دگرگونی‌های بزرگی را در همه سطوح و در همه جهت‌ها رقم زد و زلزله‌ای راهبردی پدید آورد که آگاهی جهانی را از نو ترسیم کرد. مهم‌ترین دستاوردهای طوفان الاقصی به این شرح است:

۱. پایداری ملت فلسطین

طوفان الاقصی ثابت کرد که ملت فلسطین ملتی تسلیم‌ناپذیر است و تبعیت نمی‌پذیرد؛ ملتی که شکست را نمی‌شناسد و تن به تسلیم نمی‌دهد.

با وجود وحشی‌گری و تروریسم رژیم اشغالگر، این ملت همچنان استوار بر سرزمین خود باقی ماند و پس از بیش از یک قرن خیزش‌ها و انتفاضه‌ها بار دیگر تأکید کرد که ملتی نیست که بتوان از آن عبور کرد یا مسئله‌اش را از صفحه تاریخ پاک نمود.

۲. بازگرداندن مسئله فلسطین به صدر توجه جهانی

بازگشت فلسطین به قلب جهان: مسئله فلسطین بار دیگر به محوری سیاسی و رسانه‌ای در سطح جهانی تبدیل شد و به سازمان ملل، خیابان‌های اروپا و آمریکا، تریبون‌های حقوق بشری و دانشگاه‌ها بازگشت. این مسئله دیگر مسئله مرزها نیست، بلکه به مسئله‌ای مربوط به آزادی، عدالت، کرامت و انسانیت بدل شده است؛ آن هم پس از آنکه تا آستانه فراموشی پیش رفته بود.

نتانیاها و پیش از این حمله، بر حذف مسئله فلسطین شرط بسته بود و می‌کوشید از طریق روند عادی‌سازی و جدا کردن آن از عمق عربی و اسلامی‌اش، این مسئله را از دستور کار جهان خارج کند؛ اما دو سال پایداری و ایستادگی، بار دیگر فلسطین را به عنوان مسئله‌ای مبتنی بر آزادی، عدالت و کرامت انسانی مطرح ساخت، نه صرفاً یک اختلاف مرزی سیاسی و گذرا.

۳. انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی

دیگر هیچ نظام یا دولتی نمی‌تواند بدون پرداخت هزینه‌ای اخلاقی با "اسرائیل" تعامل کند؛ چرا که جنگ نسل‌کشی، دیوار عادی‌سازی را درهم شکست و سطح مخالفت مردمی در جهان عرب و اسلام را به اوج رساند، تا آنجا که حتی متحدان غربی "اسرائیل" نیز با موجی فزاینده از اعتراضات رو به رو شده‌اند و دفاع از این رژیم به بارسی سیاسی، رسانه‌ای و اخلاقی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که حتی متحدان سنتی رژیم اشغالگر نیز در برابر خشم ملت‌های خود نسبت به جنایاتش، با بحرانی جدی مواجه هستند.

۴. فروپاشی اسطوره‌های موجودیت اشغال

پایه‌های اسطوره‌ای که رژیم اشغالگر موجودیت خود را بر آن بنا کرده بود، یکی پس از دیگری فرو ریخت و شکاف‌های عمیق در ساختار جامعه اسرائیلی آشکار شد؛ شکاف میان راست افراطی و جریان مدنی، میان دینداران و سکولارها، و حتی در میان تمامی اجزای جامعه صهیونیستی.

۵. فروپاشی نظریه امنیتی "اسرائیل"

طوفان الاقصی، نظریه امنیتی "اسرائیل" را که بر بازدارندگی، هشدار زودهنگام و انتقال نبرد به سرزمین طرف مقابل استوار بود، درهم شکست؛ زیرا مقاومت در هفتم اکتبر دشمن را غافلگیر کرد و به عمق خطوط پشتی آن نفوذ کرد و همین امر، "اسرائیل" را ناچار ساخت تا دکترین امنیتی و نظامی خود را از ریشه مورد بازنگری قرار دهد.



۶. فروپاشی تصویر غربی "اسرائیل"

طوفان الاقصی، موجودیت "اسرائیل" را از آنچه «قلعه‌ای برای تمدن غرب» خوانده می‌شد، به باری اخلاقی و سیاسی بر دوش متحدانش تبدیل کرد و دیگر "اسرائیل" نه به عنوان آنچه «تنها دموکراسی خاورمیانه» نامیده می‌شد، بلکه به عنوان دولتی که در برابر دوربین‌ها دست به نسل‌کشی می‌زند، دیده می‌شود و تصاویر اجساد و کودکان تکه تکه شده در غزه به چهره جدید "اسرائیل" بدل شده و پرونده آن در دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه کیفری بین‌المللی از متنی حقوقی به سند تاریخی محکومیت تبدیل شده است که در هر تریبون بین‌المللی آن را تعقیب می‌کند و دفاع از آن در برابر افکار عمومی غرب به کاری شرم‌آور و دشوار بدل شده و جنایات رژیم اشغالگر و تصاویر خون‌بار آن، عنوان اصلی انزوای جهانی این رژیم شده است.

۷. احیای آگاهی جمعی جهانی

این نبرد و پیامدهای آن، مفاهیم را از نو تعریف کرد؛ به گونه‌ای که میلیون‌ها نفر در حمایت از غزه به خیابان‌ها آمدند و فریاد زدند که فلسطین تنها نیست و دیگر جهان، نسل‌کشی را «درگیری» و اشغال را «دفاع از خود» نمی‌پذیرد؛ واژه‌هایی چون «نسل‌کشی»، «استعمار» و «جنایات جنگی» به ادبیات سازمان ملل و پارلمان‌های غربی راه یافت و بدین ترتیب فلسطین به معیار اخلاقی نوین در سطح جهانی بدل شد و این مسئله به معیاری برای سنجش وجدان انسانی تبدیل گردید.

۸. فروپاشی توهم «پناهگاه امن»

طوفان الاقصی، ایده پناهگاه امن برای یهودیان در فلسطین اشغالی را به لرزه درآورد و نشان داد که این رژیم از تسلیم کردن ملت فلسطین ناتوان است؛ در نتیجه، مهاجرت معکوس افزایش یافت و نگرانی سراسر جامعه شهرک‌نشینان را فرا گرفت، چنانکه یک نظرسنجی روزنامه هآرتس (۱۲ مه ۲۰۲۵) نشان داد ۴۰ درصد صهیونیست‌ها به ترک اراضی اشغالی می‌اندیشند؛ همزمان، شکاف‌های داخلی میان جناح‌های راست افراطی و جریان مدنی، میان دینداران و سکولارها و میان سفاردهی‌ها و اشکنازی‌ها تشدید شد، امری که اعتماد به رهبری صهیونیستی را متزلزل کرد و جامعه را وارد بحرانی عمیق ساخت.

۹. دستاوردهای میدانی و انسانی

با اجرای مرحله نخست طرح توقف جنگ و توافقات تبادل اسرا، حدود چهار هزار اسیر فلسطینی از زندان‌های اشغالگران آزاد شدند که در میان آنان ۴۸۶ نفر محکوم به حبس ابد و ۳۱۹ نفر دارای احکام طولانی مدت بودند؛ دستاوردهای کیفی که به درستی به معنای انتزاع و بازپس‌گیری آزادی است.

۱۰. به شکست کشاندن روند عادی‌سازی روابط

طوفان الاقصی، حقیقت موجودیت صهیونیستی را برای دولت‌ها و ملت‌های منطقه آشکار کرد؛ نه به عنوان شریک صلح و همزیستی، بلکه به مثابه خطری واقعی و فوری که آنان را تهدید می‌کند، و نشان داد رژیم اشغالگر در پی مطیع‌سازی منطقه و واداشتن آن به تسلیم در برابر هژمونی صهیونیستی است؛ بدین ترتیب، طوفان الاقصی ضربه‌ای قاطع به پروژه‌های موهوم عادی‌سازی وارد آورد و پوچی آن‌ها را اثبات کرد، ملت‌ها را به جایگاه طبیعی‌شان در مقابله با اشغال بازگرداند، روح مخالفت مردمی با این رژیم را تجدید کرد و فلسطین را بار دیگر به محور وحدت امت و وجدان جمعی آن بدل ساخت.

۱۱. دمیدن روح امت

طوفان الاقصی، روح امید و الهام را در کالبد امت دمید و تاکید کرد که خیزش، عزت و کرامت دست یافتنی است، هرگاه ملت‌ها از روح مقاومت، فرهنگ فداکاری و ایمان به حقانیت آرمان‌های خود برخوردار باشند.



۱۲. تثبیت الگوی اسلام تمدنی

طوفان الاقصی، الگوی اسلام تمدنی معتدل را که جنبش حماس آن را نمایندگی می‌کند تقویت کرد؛ الگویی که ایمان، آزادی، عدالت و کرامت انسانی را در هم می‌آمیزد و در برابر افراط‌گرایی صهیونیستی و نژادپرستی غربی می‌ایستد.

۱۳. فروپاشی روایت صهیونیستی

طوفان الاقصی، روایت صهیونیستی اسرائیلی را فرو ریخت و چهره واقعی و خشونت‌بار رژیم اشغالگر را به جهان نشان داد و آن را به انزوایی بی‌سابقه کشاند، به گونه‌ای که در همه سطوح طرد شد؛ دیگر ادعاهایی چون «مهد دموکراسی»، «حق دفاع از خود»، «اخلاقی‌ترین ارتش جهان» و حتی بهره‌گیری از «هولوکاست» برای جلب همدلی جهانی، قادر به توجیه اشغال و کشتارهای آن نیست.

تصاویر کودکان سربریده، کشتارها و ویرانی گسترده در غزه، به چهره جدید "اسرائیل" در ذهن جهانیان بدل شده است و نقاب «قربانی» را برای همیشه از چهره آن برداشته است، روایت فلسطین به روایت غالب تبدیل شده و وجدان انسانی جهانی در حال بازیابی آگاهی خود است.

۱۴. اوج‌گیری روایت فلسطینی در سطح جهانی

طوفان الاقصی، روایت فلسطینی را در چارچوب جهانی و انسانی تقویت کرد و مقاومت ما نبرد آگاهی و همدلی را به سود خود رقم زد، به ویژه در میان صدها میلیون جوان در سراسر جهان که شاید اگر طوفان الاقصی، فداکاری‌های مقاومت و پایداری ملت فلسطین نبود، هرگز با مسئله فلسطین آشنا نمی‌شدند.

همزمان، مفاهیمی چون نسل‌کشی، استعمار شهرک‌نشینی و جنایات جنگی با قدرت وارد گفتمان جهانی در پرداختن به مسئله فلسطین شد و بدین ترتیب فلسطین به معیار اخلاقی نوین تبدیل گردید که میزان پایبندی واقعی به ارزش‌های عدالت، آزادی و حقوق بشر با آن سنجیده می‌شود.

۱۵. تشدید کمپین‌های تحریم

کمپین‌های تحریم اقتصادی، دانشگاهی و فرهنگی علیه رژیم صهیونیستی و شرکت‌های حامی آن در سطح جهانی گسترش یافت و به سطوحی بی‌سابقه در تاریخ معاصر رسید.

۱۶. پیگردهای حقوقی بین‌المللی

احضار رژیم اشغالگر به دیوان بین‌المللی دادگستری به اتهام ارتکاب نسل‌کشی - در پرونده‌ای که دولت آفریقای جنوبی اقامه کرده است - میزان قساوت و هولناکی جنایاتی را که این رژیم علیه ملت فلسطین مرتکب می‌شود آشکار می‌سازد، کما اینکه پیوستن کشورهای متعدد به این پرونده، عمق خشم جهانی از جنایات "اسرائیل" را نشان می‌دهد و بی‌اعتنایی این رژیم به دستورات صادره از سوی دادگاه و نادیده گرفتن آن‌ها، بیانگر ذهنیت متکبرانه‌ای است که خود را فراتر از قانون و پاسخگویی می‌پندارد.

۱۷. احکام بازداشت بین‌المللی

صدور احکام بازداشت از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی علیه بنیامین نتانیاهو و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یواو گالانت وزیر جنگ پیشین - به عنوان جنایتکاران جنگی - و فراخواندن آنان برای حضور در برابر این دادگاه، نشانه‌ای مهم از مسئولیت مستقیم رهبری "اسرائیل" - و در واقع کل نظام سیاسی آن - در قبال جنایات ارتکاب یافته علیه ملت فلسطین است.

۱۸. افزایش به رسمیت شناختن کشور فلسطین در سطح بین‌الملل

مواضع رسمی که موجودیت "اسرائیل" را خطری برای ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند، رو به افزایش گذاشت و چهره خشن و افسارگسیخته آن به عنوان لکه ننگی بر پیشانی انسانیت آشکارتر شد. بسیاری از کشورها این موضع را به شیوه‌های گوناگون - دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و حقوقی - ابراز کردند و برخی حتی تا قطع روابط با این رژیم پیش رفتند. همزمان، موجی از شناسایی بین‌المللی کشور فلسطین به راه افتاد که از برجسته‌ترین آن‌ها، شناسایی از سوی چند کشور بزرگ اروپایی بود. در جریان طوفان الاقصی نیز کشورهای چون اسپانیا، ایرلند، نروژ، اسلوانی، انگلیس، فرانسه، کانادا، استرالیا، پرتغال، بلژیک، لوکزامبورگ، مالت، موناکو، مکزیک، باربادوس، جامائیکا، ترینیداد و توباگو و جزایر باهاما به فهرست کشورهای به رسمیت شناسنده کشور فلسطین پیوستند و بدین ترتیب شمار کشورهای که به طور رسمی فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند، به دست کم ۱۵۹ کشور رسید.

۱۹. واکنش بی‌سابقه ملت‌های عربی و اسلامی

جنگ نسل‌کشی علیه غزه با واکنشی گسترده و بی‌سابقه از سوی ملت‌های عربی و اسلامی رو به رو شد؛ واکنشی که در قالب موج‌های پی در پی راهپیمایی‌ها و تظاهراتی نمود یافت که پایتخت‌ها و میادین جهان عرب و

اسلام را در محکومیت جنگ نسل‌کشی و در همبستگی با ملت محاصره شده ما دربر گرفت؛ به گونه‌ای که درخواست‌ها برای اتخاذ گام‌های رسمی و قاطع افزایش یافت، به ویژه فشار برای توقف جنگ، اخراج سفرا، قطع روابط و بازنگری در همه اشکال عادی‌سازی روابط. در کنار این خیزش مردمی، تلاش‌هایی بزرگ و کم‌سابقه در عرصه گردآوری کمک‌ها و حمایت‌های مالی، خیریه‌ای و امدادی از طریق کارزارهای گسترده جمع‌آوری کمک و اعزام کاروان‌های مواد غذایی، تجهیزات پزشکی، چادرها و ملزومات اسکان شکل گرفت؛ افزون بر ابتکارهای مدنی و انسانی با هدف شکستن محاصره، از جمله به راه انداختن «ناوگان‌های آزادی» و تلاش برای رساندن کمک به غزه؛ همه این‌ها بیان زنده‌ای از وحدت وجدان و همدلی و نشان دهنده اصرار ملت‌های عربی و اسلامی بر یاری حق و ایستادن در کنار ستمدیدگان است.

۲۰. تغییر در افکار عمومی جهانی

ده‌ها هزار تظاهرات و راهپیمایی حامی فلسطین سراسر جهان را فرا گرفت که بسیاری از آن‌ها میلیونی بودند. اروپا به تنهایی در طول دو سال بیش از ۴۵ هزار تظاهرات را شاهد بود و در ایالات متحده طی نه ماه نخست طوفان الاقصی، حدود ۱۲ هزار و ۴۰۰ تظاهرات برگزار شد، افزون بر هزاران تجمع اعتراضی در آمریکای لاتین، آفریقا، استرالیا و آسیا و دیگر افکار عمومی جهانی، نسل‌کشی را «درگیری» و اشغال و استعمار را «دفاع از خود» نمی‌پذیرد. این جنگ، ریاکاری دموکراسی‌های غربی حامی رژیم اشغالگر را برملا کرد و دامنه تردید نسبت به منظومه ارزش‌های ساختگی آن‌ها را گسترش داد. نظرسنجی‌ها نیز از تحولی چشمگیر در حمایت افکار عمومی از مسئله فلسطین و مقاومت آن، و از افزایش نگاه منفی به «اسرائیل» حکایت داشت؛ به گونه‌ای که میزان نگرش منفی نسبت به «اسرائیل» در کشورهای که زمانی پایگاه‌های اصلی حمایت از آن به شمار می‌رفتند - مانند هلند، اسپانیا، سوئد و یونان - به بیش از ۷۰ درصد رسید و در ایتالیا، انگلیس، آلمان، فرانسه، لهستان و کانادا از ۶۰ درصد فراتر رفت و حتی در ایالات متحده نیز به ۵۳ درصد رسید (نظرسنجی مرکز پیو، ۳ ژوئن ۲۰۲۵). شایان توجه است که یک نظرسنجی انجام شده توسط مؤسسه هرپس پول با همکاری دانشگاه هاروارد - که نتایج آن در اواخر اوت ۲۰۲۵ منتشر شد - نشان داد ۶۰ درصد از گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال در آمریکا (نسل پسا هزاره یا نسل Z) از حماس در برابر «اسرائیل» حمایت می‌کنند. همه این تحولات علیرغم نفوذ رسانه‌ای گسترده صهیونیست‌ها و تلاش‌های آن‌ها برای سرکوب محتوای فلسطینی در شبکه‌های اجتماعی رخ داد. این دستاورد تنها به ملت ما تعلق ندارد، بلکه

پیروزی برای همه بشریت و برای تمام آزادگانی است که در رنج‌های ما شریک شدند و در برابر جنگ و تجاوز صهیونیستی، به یاری غزه برخاستند. همچنین این تحول، حقانیت کشورها و نهادهایی را که در مجامع بین‌المللی از حق ما حمایت کردند - و در رأس آن‌ها آفریقای جنوبی - تأیید می‌کند و به افشای هرچه بیشتر دشمن صهیونیستی و تعمیق انزوا و فزاینده آن در سطح جهانی کمک می‌کند.



حماس را نمی‌توان منزوی کرد

۱. جنبشی ریشه‌دار در بافت ملی

جنبش حماس یکی از اجزای اصیل و ریشه‌دار جامعه فلسطین و یکی از ستون‌های اصلی بافت ملی و سیاسی آن به شمار می‌رود؛ این جنبش از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۸۷ همواره با جنبش فتح بر سر جایگاه نمایندگی مردمی رقابت داشته و پس از آنکه فتح در سال ۱۹۹۳ مسیر سازش و توافق اسلو را برگزید، رهبری جریان مقاومت را بر عهده گرفت.

با وجود همه تلاش‌ها برای ریشه‌کن‌سازی و به حاشیه راندن طی سی و هشت سال گذشته، حماس همچنان حضوری پررنگ‌تر و معتبرتر داشته است؛ چرا که فداکاری‌ها و ترور رهبران‌ش، نه تنها آن را تضعیف نکرد، بلکه بر استوارپاشی و حمایت گسترده مردمی را در سطوح فلسطینی، عربی، اسلامی و جهانی پیرامون آن شکل داد.

این جنبش نماینده رویکردی اسلامی، میانه‌رو و معتدل است که به اصول ثابت ملی فلسطین پایبند است، مقاومت خود را منحصراً متوجه رژیم اشغالگر می‌کند و به مشارکت ملی و رجوع به اراده مردم از طریق انتخابات آزاد یا توافق ملی باور دارد.

۲. مشروعیت انتخاباتی و قانون اساسی

حماس در انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶ - که تنها انتخاباتی بود که همه جریان‌های فلسطینی در آن شرکت داشتند - با اکثریتی قاطع پیروز شد و از این رو، رهبری آن بر نوار غزه بر پایه اراده مردمی و با مشروعیتی کامل و قانونی شکل گرفت.



با وجود شکاف و اختلافات داخلی فلسطین، حماس اکثریت خود را در مجلس قانونگذاری حفظ کرد و همین امر به آن حق قانونی می‌دهد که در غزه و کرانه باختری دولت تشکیل دهد.

در شرایطی که تفاهم با تشکیلات رام الله به بن‌بست خورد، نهادهای حکمرانی در غزه به فعالیت خود با کارآمدی و ثبات نسبی ادامه دادند، چرا که حماس بخشی طبیعی از بافت ملی فلسطین به شمار می‌آید.

۳. پایداری گزینه مردمی مقاومت

نظرسنجی‌های فلسطینی طی دو سال طوفان الاقصی تأیید می‌کند که گزینه مقاومت همچنان ستون اصلی وجدان جمعیت ملت فلسطین است.

حتی در اوج بمباران‌ها، کشتارها و محاصره، حماس در صدر صحنه مردمی باقی ماند؛ چنانکه یک نظرسنجی انجام شده توسط مرکز فلسطینی پژوهش‌های سیاسی و افکارسنجی در مه ۲۰۲۵ نشان داد ۷۷ درصد فلسطینیان با خلع سلاح حماس در برابر توقف جنگ مخالفت می‌کنند.

میزان رضایت از عملکرد حماس به ۵۷ درصد رسید، در حالی که این رقم برای عملکرد تشکیلات خودگردان ۲۳ درصد و برای محمود عباس تنها ۱۵ درصد بود.

در صورت برگزاری انتخابات نیز، این نظرسنجی نشان داد که ۶۸ درصد به نامزد حماس و ۲۵ درصد به نامزد فتح رأی خواهند داد.

بر اساس همین نتایج، فهرست حماس ۴۳ درصد کرسی‌های مجلس قانونگذاری را به دست خواهد آورد و جنبش فتح تنها ۲۸ درصد را کسب می‌کند؛ نسبتی که تقریباً همان میزان پیروزی حماس در سال ۲۰۰۶ است.

این نتایج به روشنی نشان می‌دهد که امید بستن به فاصله گرفتن مردم از مقاومت یا عقب‌نشینی آنان از حمایت حماس، کاملاً بی‌نتیجه است.

۴. منزوی‌سازی حماس، توهمی سیاسی است

اصل و اساس مشکل، اشغالگری "اسرائیل" است و جوهر راه حل نیز پایان دادن به این اشغال و دستیابی ملت فلسطین به حقوق ملی خود است.

راه حل از مسیر شروطنی که رژیم اشغالگر را خشنود کند و بقای آن را تضمین نماید، محقق نخواهد شد؛ همانگونه که نمی‌توان قربانی را مجازات و جلاد را پاداش داد.

تلاش‌ها برای منزوی‌سازی حماس با حق ملت‌ها در مقاومت مسلحانه و حق آنان در انتخاب آزادانه نمایندگانشان در تضاد است و نیز با عرف‌های سیاسی که دولت‌ها را به مذاکره با جریان‌های مقاومت - نه حذف آن‌ها - ملزم می‌سازد، ناسازگار است.

بر این اساس، مشارکت حماس در نمایندگی مردمی و تصمیم‌گیری سیاسی، حقی بنیادین است که قیمومیت خارجی را نمی‌پذیرد و هیچ جایگزینی را نمی‌توان بر اراده ملت فلسطین تحمیل کرد.

اولویت‌های مرحله پیش رو

فلسطین و غزه امروز به یک چشم‌انداز ملی جامع نیاز دارند که زندگی را با کرامت و حاکمیت بازسازی کند؛ آینده‌ای که ما می‌خواهیم از این آگاهی آغاز می‌شود که دستاوردهای میدانی باید در عرصه سیاست، جامعه و مدیریت تکمیل شود تا فداکاری‌های ملت فلسطین به سازندگی، شکوفایی و استقلال بینجامد.

۱. تحقق عقب‌نشینی کامل و بازسازی

تحقق عقب‌نشینی کامل دشمن از نوار غزه، پیگیری آزادی همه اسرا از زندان‌های اشغالگران، پایان دادن کامل به محاصره و ورود همه نیازهای غزه بدون هیچ محدودیتی همراه با گشایش همه گذرگاه‌ها، آغاز یک فرایند بازسازی فراگیر و کارآمد و تداوم ارائه همه اشکال مراقبت و حمایت مورد نیاز غزه، و اجرای برنامه‌های امدادی فوری برای تأمین سرپناه، غذا، آب و دارو برای ساکنان این منطقه.

۲. مدیریت ملی مستقل برای نوار غزه

اداره نوار غزه امری کاملاً فلسطینی است که باید به دست همه نیروهای ملی و بدون حذف هیچ طرفی انجام شود و بر استقلال تصمیم ملی فلسطین پافشاری گردد؛ ملت فلسطین از غنی‌ترین ملت‌های جهان از نظر توان، تجربه و شایستگی‌ها است و همه مؤلفه‌های لازم برای اداره امور خود را در اختیار دارد، از این رو هرگونه تلاش برای تحمیل قیمومت سیاسی از سوی هر طرفی مردود است و جز شکلی دیگر از اشغال به شمار نمی‌آید و آینده غزه تنها با اراده مستقل فلسطینی و با مشارکت جمعی همه اجزای ملت ما و به دور از هر نوع قیمومت رقم خواهد خورد.

۳ حمایت از قدس، مسجد الاقصی و کرانه باختری

مقابله با خطر فزاینده و چالش‌های وجودی تحمیل شده از سوی رژیم اشغالگر از طریق طرح‌های سازمان یافته برای یهودی‌سازی شهر قدس، تلاش برای تحمیل تقسیم مکانی و زمانی بر مسجد الاقصی و تغییر

هویت و نشانه‌های آن، همزمان با آنچه کرانه باختری از تلاش‌های الحاق، گسترش شتابان شهرک‌سازی و تشدید سیاست‌های تخریب خانه‌ها و کوچ اجباری تجربه می‌کند؛ روندی که هدف آن خالی کردن سرزمین از ساکنانش و تحمیل واقعیت‌های استعمارگرایانه جدید است و ضرورت وحدت تلاش‌ها، تقویت پایداری ملت و پاسداری از حقوق و اصول ثابت ما در قدس، مسجد الاقصی و کرانه باختری را دو چندان می‌سازد.

۴. ساماندهی مجدد اوضاع داخلی فلسطین

ساماندهی مجدد اوضاع داخلی فلسطین و بازسازی سازمان آزادی‌بخش بر پایه اصول ثابت و منافع عالی ملت فلسطین، فعال‌سازی نهادهای آن به گونه‌ای که همه نیروهای فلسطینی را دربر گیرد و فراهم‌سازی زمینه برگزاری انتخابات آزاد و سالم که فلسطینیان داخل و خارج را در چارچوب توافق ملی شامل شود، به نحوی که توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ملت فلسطین در پروژه آزادی و بازگشت را دوباره فعال کند. تقویت وحدت ملی پیرامون گزینه مقاومت، همه طرح‌های رژیم اشغالگر برای حذف مسئله فلسطین را ناکام خواهد گذاشت.

۵. عمق عربی، اسلامی و انسانی

تقویت پیوند با امت عربی و اسلامی و فعال‌سازی بُعد انسانی جهانی برای حمایت از مسئله فلسطین، و تداوم تلاش‌ها برای ارتباط با آزادگان جهان که در کنار غزه ایستادند و تشویق آنان به ادامه تحریک جهانی علیه اشغالگری تا زوال و نابودی آن.

۶. مقابله با عادی‌سازی روابط

مقابله با عادی‌سازی روابط با دشمن صهیونیستی و تبیین خطرات آن و فعال‌سازی همه اشکال اقدام رسمی و مردمی برای ناکام گذاشتن آن. تجربه نشان داده است که عادی‌سازی راهی به سوی امنیت و ثبات نیست، بلکه دروازه‌ای برای تجاوز بیشتر به حقوق ملت فلسطین و امت عربی و اسلامی است.

۷. تثبیت روایت فلسطیني

تداوم تثبیت روایت فلسطیني و به شکست کشاندن روایت صهیونیستی در مجامع بین‌المللي، که شامل مستندسازی روایت نبرد طوفان الاقصی و جاودانه‌سازی آن از طریق ایجاد نهادهای ملی برای پاسداری از حافظه جمعی فداکاری‌های ملت ما و صیانت از حقیقت در برابر تحریف یا فراموشی است.

۸. مسیر حقوقی و عدالت بین‌المللي

تداوم تلاش‌های حقوقی برای پیگرد رژیم صهیونیستی و سران و نظامیان آن به سبب جنایاتشان در غزه و فلسطین، به ویژه جنایات نسل‌کشی، گرسنه‌سازی و کوچ اجباري، و طرح دعاوی در دیوان بین‌المللي دادگستري، دادگاه کیفری بین‌المللي و دادگاه‌های ملی در سراسر جهان؛ زیرا این جنایات با مرور زمان فراموش یا حذف نمی‌شوند و جنایتکاران جنگی باید در برابر عدالت بین‌المللي پاسخگو باشند.

۹. روابط دیپلماتیک و بین‌المللي

تقویت روابط با میانجی‌هایی که در تحقق توافق توقف جنگ نقش داشتند، در رأس آن‌ها قطر، مصر و ترکیه، و نیز گسترش روابط بین‌المللي با کشورهای که از حقوق ملت فلسطین حمایت کرده‌اند، مانند چین و روسیه، به پاس نقش آنان در مهار یکه‌تازی متحدان رژیم اشغالگر در شورای امنیت.

در يك كلام...

طوفان الاقصی برای ما و برای جمع گسترده‌ای از مردم جهان، صرفاً يك رویداد نظامی نبود، بلکه لحظه‌ای باشکوه از تولد دوباره و برانگیخته شدن آگاهی آزاد و عاری از فریب و تحریف بود؛ پلی استوار بر اراده‌ای محکم، مقاومتی پویا و در مسیر تجدید، یقینی راسخ، تعهدی استوار، آگاهی عمیق و چشم‌اندازی بس روشن که در پی بازپس‌گیری همه حقوق ملت ما، بازیابی آزادی سلب شده، آزادسازی سرزمین غصب شده، پاک‌سازی قدس و برپایی کشور ما است.

پس از دو سال نسل‌کشی و پایداری، روایت ما روشن و بی‌پرده نمایان است: ملتی که محو نمی‌شود، مقاومتی که شکست نمی‌خورد و حافظه‌ای که فراموش نمی‌شود؛ فلسطین ترحم جهان را نمی‌طلبد، بلکه احترام به حق خود برای زندگی و آزادی را می‌خواهد.

کشور مستقل فلسطین با پایتختی قدس و بازگشت آوارگان به سرزمین خود، رؤیا نیست، بلکه حقی تاریخی و سیاسی است که ملتی ایستاده زیر آتش نسل‌کشی و شکست‌ناپذیر، آن را تحمیل می‌کند.

این روایت ماست... و تا زمانی که در سینه این ملت، قلبی برای آزادی می‌تپد، پایدار خواهد ماند.



جمادى الآخرة ١٤٤٧ هجرى قمرى
دسامبر / كانون الأول ٢٠٢٥ ميلادى